

# فروغ فرخ زاد

«مجموعهٔ سروده‌ها»



پاییز ۱۳۹۷

فروغ فرخ زاد



## و او فروغ بود، فروغ تابانِ شعر...

برای من همیشه شخصیت فروغ فرخزاد همراه با یک سؤال بزرگ بود که چرا قضاوت‌های بیشتر افراد در رابطه با او تند و افراطی بوده است. گروهی از اصل او را نفی کرده و انگ بسیاری بر او زده‌اند و گروهی دیگر تا حد قدیس وی را ستوده‌اند. به ویژه در زمانِ بودن او که این حدیث‌ها مکررتر و شدیدتر پیش می‌آمد و شاید بیشتر، نفی بی‌رحمانه‌ی او بود تا تأیید و پشتیبانی.

ولی در کنار تمامی این سخن‌ها تصور می‌کنم در چند نکته و نظر تمامی این قضاات — با حکم‌های محکم و بدون تجدید نظر! — دارای وجه اشتراک باشند. نکاتی که شاید از بارزترین مشخصه‌های فروغ فرخزاد محسوب می‌گردد:

مهم‌ترین خصوصیت اشعار او ابراز بی‌تظاهر و بدون ریای عواطف درونی و تجسم بی‌پرده‌ی احساسات است. این خصوصیت، شعر او را به جایی می‌برد که به وجه جسمانی — یا زمینی — عشق توجهی خاص می‌کند و فکر می‌کنم مهم‌ترین نکته‌ی اظهارنظرهای مختلفِ موافقین و مخالفین او — بخصوص در زمان حیاتش — همین باشد.

## فهرست

(۱۳۳۰ - ۱۳۳۱)

دفتر اول: اسیر

۱۷	شعله‌ی رمیده
۲۰	رمیده
۲۲	خاطرات
۲۴	رویا
۲۷	هرجایی
۲۹	اسیر
۳۱	بوسه
۳۲	نا آشنا
۳۴	یادی از گذشته
۳۶	پاییز
۳۸	وداع



افسانه‌ی تلخ..... ۴۰  
 گریز و درد..... ۴۳  
 دیو شب..... ۴۵  
 عصیان..... ۴۸  
 شراب و خون..... ۵۱  
 دیدار تلخ..... ۵۳  
 گمگشته..... ۵۶  
 از یاد رفته..... ۵۹  
 ناشناس..... ۶۲  
 چشم براه..... ۶۴  
 آینه‌ی شکسته..... ۶۷  
 دعوت..... ۶۹  
 خسته..... ۷۱  
 بازگشت..... ۷۴  
 بیمار..... ۷۶  
 مهمان..... ۷۸  
 راز من..... ۸۱  
 دختر و بهار..... ۸۴  
 خانه‌ی متروک..... ۸۶  
 یکشب..... ۸۸  
 در برابر خدا..... ۹۰  
 ای ستاره‌ها..... ۹۳  
 حلقه..... ۹۶  
 اندوه..... ۹۸  
 صبر سنگ..... ۱۰۰

از دوست داشتن..... ۱۰۴  
 خواب..... ۱۰۷  
 صدایی در شب..... ۱۰۸  
 با کدام دست..... ۱۱۰  
 دریایی..... ۱۱۴

**دفتر دوم: دیوار**

(۱۳۱۳-۱۳۳۵)

رویا..... ۱۱۹  
 نغمه‌ی درد..... ۱۲۳  
 گمشده..... ۱۲۵  
 اندوه‌پرست..... ۱۲۷  
 قربانی..... ۱۲۹  
 آرزو..... ۱۳۱  
 آبتنی..... ۱۳۴  
 سپیده‌ی عشق..... ۱۳۶  
 بر گور لیلی..... ۱۳۸  
 اعتراف..... ۱۴۰  
 یاد یک روز..... ۱۴۲  
 موج..... ۱۴۴  
 شوق..... ۱۴۶  
 اندوه تنهایی..... ۱۴۸  
 قصه‌ای در شب..... ۱۵۱  
 شکست نیاز..... ۱۵۴  
 شکوفه‌ی اندوه..... ۱۵۶



دفتر چهارم: تولدی دیگر (۱۳۴۲-۱۳۳۸)

۲۲۳	آن روزها
۲۲۸	گذران
۲۳۰	آفتاب می شود
۲۳۳	روی خاک
۲۳۶	شعر سفر
۲۳۸	باد مارا خواهد برد
۲۴۰	غزل
۲۴۱	درآبهای سبز تابستان
۲۴۵	میان تاریکی
۲۴۸	بر او ببخشاید
۲۵۰	دریافت
۲۵۳	وصل
۲۵۶	عاشقانه
۲۶۰	پرسش
۲۶۱	جمعه
۲۶۳	عروسک کوکی
۲۶۶	تنهایی ماه
۲۶۸	معشوق من
۲۷۱	درغروبی ابدی
۲۷۶	مرداب
۲۷۹	آیه های زمینی
۲۸۴	هدیه
۲۸۵	دیدار در شب

۱۵۹	پاسخ
۱۶۱	دیوار
۱۶۴	ستیزه
۱۶۷	قهر
۱۶۹	تشنه
۱۷۲	ترس
۱۷۴	دنیای سایه ها

دفتر سوم: عصیان (۱۳۳۶-۱۳۳۵)

۱۷۹	عصیان خدایی
۱۸۴	شعری برای تو
۱۸۷	پوچ
۱۸۹	دیر
۱۹۲	صدا
۱۹۵	بلور رویا
۱۹۷	ظلمت
۱۹۹	گره
۲۰۲	بازگشت
۲۰۵	از راهی دور
۲۰۷	رهگذر
۲۰۹	سرود زیبایی
۲۱۱	جنون
۲۱۴	بعدها
۲۱۷	زندگی



## اسیر

۲۹۲	وهم سبز
۲۹۶	فتح باغ
۲۹۹	گل سرخ
۳۰۱	به علی گفت مادرش روزی
۳۱۱	پرنده فقط یک پرنده بود
۳۱۳	ای مرز پر گوهر
۳۱۹	به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد
۳۲۱	من از تو می‌مردم
۳۲۴	تولدی دیگر

## دفتر پنجم:

## ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد (۱۳۴۵-۱۳۴۲)

۳۳۱	ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد
۳۴۳	بعد از تو
۳۴۷	پنجره
۳۵۱	دل برای باغچه می‌سوزد
۳۵۷	کسی که مثل هیچکس نیست
۳۶۲	تنها صداست که می‌ماند
۳۶۵	پرنده مردنی است



## شعله‌ی رمیده

می‌بندم این دو چشم پُر آتش را  
تا ننگرد درون دو چشمانش  
تا داغ و پرتپش نشود قلبم  
از شعله‌ی نگاه پریشانش

می‌بندم این دو چشم پُر آتش را  
تا بگذرم ز وادی رسوایی  
تا قلب خامشم نکشد فریاد  
رو می‌کنم به خلوت و تنهایی

ای رهروان خسته چه می‌جوئید  
در این غروب سرد ز احوالش  
او شعله‌ی رمیده‌ی خورشید است  
بیهوده می‌دوید به دنبالش

